

تجارت زنان و کودکان از دیدگاه فقهای شیعه

و بررسی علل و اهداف آن*

دکتر زهرا فهرستی / زیبا سرچمی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی / کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی

چکیده

از جمله اقدامات ضدانسانی و ضداخلاقی عصر حاضر که گریبانگیر بشر در عرصه گیتی گردیده است، مسئله تجارت یا خرید و فروش انسان است.

کشورهای اسلامی و شیعه‌نشین از جمله ایران اسلامی نیز از این تهاجم مصون نمانده و این معضل در سال‌های اخیر به اتجا و اشکال مختلف در کشورمان رشد یافته است. با عنایت به اینکه شرع مقدس اسلام بر آزادی، ارزش و کرامت انسان تأکید و توجه خاص دارد، در این نوشتار تلاش شده است تجارت انسان از منظر اسلام مورد بررسی قرار گیرد.

از بررسی ادله قرآنی و روایی و به استناد قواعد فقهی روشن می‌شود که قاچاق انسان از لحاظ فقهی حرام بوده و از جرایمی است که شرع مقدس بر آن حساسیت ویژه‌ای مبذول داشته است. از احکام روشن فقهی در این زمینه می‌توان به اطلاق عناوین قوادی و مفسد فی الارض اشاره کرد. از لحاظ حقوقی نیز قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

کلیدواژه‌ها: تجارت انسان، قاچاق زنان و دختران، ازدواج اجباری،

روسپی‌گری، بردگی.

مقدمه

به موازات پیشرفت جوامع و توسعه فناوری که در چند قرن اخیر صوت گرفته است، ارتباطات اجتماعی و روابط انسانی نیز گسترش پیدا کرده و به تبع آن، اقدامات غیرانسانی و پدیده‌های ضد اجتماعی نیز رشد روزافزونی یافته است. این جرایم و فعالیت‌های مجرمانه که معمولاً دارای پیچیدگی‌های خاصی بوده و با برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی صورت می‌پذیرد، بعضاً از عرصه مرزهای داخلی کشورها فراتر رفته و به صورت یک پدیده فرامرزی (فراملی) در عرصه بین‌المللی مطرح می‌شوند. این جرایم که با خصوصیت فراملی و سازمان‌یافتگی شناخته شده‌اند دارای ویژگی خاصی می‌باشند که مبارزه با آنها جز از طریق اقدامات هماهنگ و در چهارچوب یک همکاری بین‌المللی میسر نمی‌باشد.

از جمله این اقدامات غیرانسانی که در این دوره گریبانگیر جامعه جهانی گردیده پدیده تجارت انسان است. این مسئله از ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی به عنوان معضل جدی مطرح گردید. بی‌اغراق نیست اگر تجارت انسان، به خصوص زنان و دختران را به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی جامعه بین‌المللی در قرن حاضر بدانیم. هر چند تجارت انسان از دیرباز در میان ملل مختلف وجود داشته است، اما نگرش به پدیده تجارت انسان به عنوان معضلی جدی به ابتدای قرن بیستم بازمی‌گردد. به عبارت دیگر، در قرن بیستم مبارزه با تجارت انسان (به عنوان یک جرم سازمان‌یافته فراملی) به شکلی جدی آغاز گردید.

از نظر برخی تحلیلگران، تجارت انسان مشابهتی با برده‌داری و خرید و فروش برده داشته است؛ از همین رو، تجارت انسان را «بردگی نوین» یا «شکل مدرن بردگی» نامیده‌اند.

خرید و فروش انسان، به‌ویژه زنان و دختران برای فحشا، سابقه در دوران قدیم داشته و خرید و فروش مزبور جنبه‌ای از تجارت بردگان محسوب می‌شده است.

سالانه چهار میلیون نفر مورد قاچاق داخلی یا بین‌المللی قرار می‌گیرند. (Raymond, 2004, P. 1) بر اساس اظهارات یک جامعه‌شناس ایتالیایی، ارزیابی‌های مستند گویای این است که بیش از دویست میلیون نفر به نحوی تحت سلطه یا در اختیار قاچاقچیان انسان قرار دارند. بر اساس این اظهارات، ۱۱/۵ میلیون نفر برده، حاصل چهار قرن برده‌داری بود، ولی ۳۰ میلیون نفر زن و کودک که با مقاصد جنسی و کار سخت قاچاق شده‌اند حاصل یک دهه اعمال تبهکارانه باندهای مخوف قاچاق انسان است. (New York Times, 26 June 2000) در هر حال، سالانه میلیون‌ها زن و دختر با وعده پیدا کردن مشاغل نظیر بچه‌داری، پرستاری، کار در رستوران و با امید به یافتن زندگی بهتر در جهان پیشرفته، به کشورهای مختلف قاچاق می‌شوند. آنان با پول نقد یا مواد مخدر معاوضه می‌گردند و پس از چندی به صورت ایزاری برای خوش‌گذرانی مردان در می‌آیند.

برای نمونه، یک زوج تبهکار به همین ترتیب، در مدت ۹ سال توانسته بودند ۱۵۰ دختر و زن جوان را از کشور خارج کرده و به فروش برسانند. (روزنامه ایران،

مفهوم تجارت

واژه تجارت به معنای «خرید و فروش» (ترقی، ۱۳۵۴، ص ۱۰۹)، «سوداگری، بازرگانی، بده بستان معامله، داد و ستد، سودا و سوداگری، تصرف کردن در مالی به منظور سود بردن» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۳۵۴۹) است و معرب آن «بیع در معنای فروش و فروختن» (انطون، ۱۳۷۷، ص ۸۵) به کار رفته است. فقها موضوع تجارت (یعنی آنچه با آن کسب می‌شود) را بر سه قسم دانسته‌اند: حرام، مکروه و مباح. (مکی‌العاملی، ۱۳۷۳، ص ۲۰۲) یکی از اقسام تجارت حرام، تجارت انسان، یعنی خرید و فروش انسان آزاد است که در مباحث بعدی به این موضوع پرداخته می‌شود.

مفهوم تجارت انسان

هر چند پدیده تجارت انسان بدین شکل در قرن اخیر موضوعیت پیدا کرده است، ولی مسئله خرید و فروش انسان، به‌ویژه زنان، از دیرباز گریبانگیر جامعه بشری بوده است. در دوران ظهور اسلام تلاش‌هایی برای مبارزه با این پدیده شوم انجام شده است و در تاریخ اسلام مطالبی در این خصوص به چشم می‌خورد.

یکی از مباحث موجود در فقه، احکام بیع و تجارت است و از جمله مکاسب محرمه در کتاب متاجر، خرید و فروش انسان آزاد می‌باشد که بسیاری از علمای شیعه و سنی* حکم به ابطال و حرمت آن داده‌اند. (حلی، [بی تا]، ج ۱، ص ۴۶۵ و ج ۱۰، ص ۴۱ / همو، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۶۱ و ۱۶۴ و ج ۲، ص ۲۷۹ و ۲۶۱ / جبعی‌عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۲۴۸ و ۴۱۸ / همو، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۱۶۷ / اردبیلی، ۱۴۱۱ ق، ج ۸، ص ۱۶۷ و ۲۶۱ / وحید بهبهانی، ۱۴۱۷

* از میان علمای سنی، شافعی به جواز بیع حر حکم داده است.

ق، ص ۱۰۱ / نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۲، ص ۳۴۳ / اصفهانی، [بی تا]، ج ۳، ص ۳۸۶ / طباطبائی حکیم، [بی تا]، ص ۳۲۰ و ۳۲۶ / آمدی، [بی تا]، ج ۳، ص ۲۴ / خوبی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۱۱۱ و ج ۴، ص ۱۲۵ / مازندرانی، ۱۲۰۷، ج ۱، ص ۱۸۸) این عمل قبیح در فتاوی بسیاری از علما و فقها از گناهان کبیره شمرده شده است. (سرخسی، ۱۴۰۶، ق، ج ۸، ص ۲۷)

روشن است که منظور از انسان در این مقوله «انسان بما هو انسان» است؛ انسانی کامل که زنده متولد شده است. (قید «کامل»، چنین، اسپرم و تخمک را از شمول تعریف خارج می‌کند و قید «زنده»، انسانِ مرده و بی‌روح را) خداوند، انسان را فارغ از جنسیت، ملیت، دین، نژاد و رنگ پوست آزاد آفریده است و بر کرامت او صراحتاً تأکید فرموده است. نص صریح قرآن بر این مطلب اشاره دارد: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ (اسرا: ۷۰) علامه طباطبائی در تفسیر این آیه در المیزان آورده است: کرامت به صورت بالقوه از بدو تولد در وجود انسان نهاده شده است. ایشان منظور از بنی آدم را بیان کل جنس بشر می‌داند. صرف نظر از کرامت‌های خاصه و فضایل روحی و معنوی که به عده‌ای خاص اختصاص دارد، این آیه مشرکان، کفار، اهل فسق و همه را زیر نظر دارد؛ چه اگر این‌گونه نمی‌بود و مقصود از آن تنها انسان‌های خوب و مطیع بود، معنای امتنان و عتاب در آیه بعد که می‌فرماید: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ (انسان: ۳) درست در نمی‌آید؛ و با همین خصوصیت است که معنای تکریم با تفضیل فرق پیدا می‌کند؛ چون تکریم معنایی است نفسی و در تکریم کاری به غیر نیست، بلکه تنها شخص مورد تکریم مورد نظر است که دارای شرافت و کرامتی بشود؛ بر خلاف تفضیل که منظور از آن این است که شخص مورد تفضیل از دیگران برتری یابد، در حالی که او با دیگران در اصل آن عطیه شرکت دارد. (طباطبائی، ج ۱۳، ص ۲۱۵)

«کرمنا» اشاره به مواهبی است که خدا ذاتاً به انسان داده است. بر این اساس، هیچ انسانی را بر دیگری ولایتی نیست و اصل، آزادی و کرامت انسان‌هاست. از این روست که خرید و فروش انسان آزاد از نوع تجارت حرام به شمار رفته است. این نوع مبادله اقتصادی در قوانین الهی و بشری ممنوع گردیده است و از آن با عنوان «قاچاق انسان» تعبیر می‌شود. در ذیل، به اجمال اصطلاحات «قاچاق» و «قاچاق انسان» توضیح داده می‌شوند.

مفهوم قاچاق (Smuggling)

«قاچاق از مصدر قاچماق، لفظی است ترکی که در معنای فراری، ربوده، گریزانیدن، فرار، ترک وطن با اختیار و به اضطرار به کار رفته است.» (زینعلی، ۱۳۸۴، ص ۱۶) قاچاق معنای دیگری نیز دارد: «حمل و نقل کالا از منطقه‌ای به منطقه دیگر، خواه دو منطقه مزبور در داخل کشور باشد که آن را «قاچاق داخلی» و خواه یک نقطه در داخل و یک نقطه در خارج باشد که آن را «قاچاق خارجی» می‌نامند.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰، ص ۱۵)

در خصوص قاچاق تعاریف مختلفی بیان گردیده است. به طور کلی، می‌توان قاچاق را به این صورت تعریف نمود: «وارد کردن یا خارج کردن متقلبانه کالای موضوع حق و حقوق دولت یا کالای ممنوع یا انحصاری، یا اظهار واگذاری، حمل و نقل، نگه‌داری، عرضه و فروش، ساخت، تولید، تغییر مورد مصرف، دخل و تصرف و اقدام به صید، مخفی کردن، واسطه‌گری.» (احمدی،

مفهوم قاچاق انسان (Trafficking in Human beings)

تعاریف ارائه شده جملگی در خصوص اجسام و کالاهای بی‌روح است که توسط قاچاقچیان بدون پرداخت عوارض و گمرک به مرزهای دیگر فرستاده می‌شود. در واقع، وقتی سخن از قاچاق به میان می‌آید، ذهن مخاطب بیش از هر چیز معطوف قاچاق مواد مخدر می‌گردد؛ هر چند که بارزترین نوع قاچاق نیز همین است، لیکن محدود به آن نیست.

قاچاق مواد هسته‌ای، قاچاق اسلحه، قاچاق انسان و قاچاق اعضای بدن انسان امروزه مهم‌ترین انواع قاچاق را در سطح بین‌المللی تشکیل می‌دهد. آنچه در این مقاله مدنظر است قاچاق انسان به لحاظ نقل و انتقال افراد از طریق مرزها توسط افراد سودجو می‌باشد که موجودات انسانی را همچون کالا و اجسام بی‌روح با وضعیتی خطرناک به منظور محقق کردن اهداف مختلف جابه‌جا می‌نمایند تا به مقاصد پلید خود که همان سودآوری کلان است نایل گردند. قاچاق انسان شامل قاچاق زنان، کودکان و مردان (Trafficking in women and children and men) می‌باشد و به مقاصد مختلف انجام می‌شود. این جرم غالباً به منظور سوء استفاده جنسی، کار اجباری، بردگی و نیز برداشت اعضای بدن افراد صورت می‌گیرد. همچنین برای کار خانگی یا کشاورزی، کار در کارگاه‌های کار سخت، ازدواج‌های اجباری یا فریب‌آمیز به صورت پستی یا سفارشی، خرید و فروش زنان جوان برای روسپی‌خانه‌ها و کلوپ‌های رقص برهنه انجام می‌شود. در نتیجه، قاچاق انسان هم دربرگیرنده مقاصد جنسی و غیرجنسی می‌باشد و هم دربرگیرنده کلیه افراد اعم از زن و مرد و کودک.

در تعریفی که مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۹۴ از تجارت انسان ارائه کرده چنین آمده است: «حرکت دادن غیرقانونی و مخفیانه اشخاص در عرض مرزهای ملی، عمدتاً از کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار با هدف نهایی واداشتن زنان و دختران به وضعیت‌های بهره‌کشانه و ستمگرانه از لحاظ جنسی و اقتصادی به منظور سود به کار گیرندگان، قاچاقچیان و سندیکاهای جنایتکار و نیز دیگر فعالیت‌های مرتبط با قاچاق، همچون کار خانگی اجباری، ازدواج دروغین، استخدام مخفیانه و فرزندخواندگی دروغین.» (Sub-Region, 2001, P. 2)

ارتباط فحشا و تجارت زنان

فحشا و تجارت زنان اگرچه دو مقوله متمایزند، اما بی‌ارتباط با یکدیگر نیستند. فحشا دربرگیرنده افرادی است که آگاهانه و با رضایت در صنعت سکس (Sex Industry) فعالیت می‌کنند، حال آنکه تجارت انسان با تهدید یا توسل به زور و اشکال دیگر اجبار، ربودن، اغفال، سوءاستفاده از وضعیت آسیب‌پذیری و مانند آن محقق می‌گردد. (haynes, 2004, Vol. 26, P. 21)

برای توضیح بیشتر، به منظور آنکه عمل قبیح فحشا با تجارت انسان خلط نگردد، می‌توان به موارد زیر به عنوان وجوه تمایز این دو مقوله اشاره کرد:

۱. فحشا عملی است ارادی و اختیاری که فرد با میل و رضایت در جهت کسب درآمد انجام می‌دهد، در حالی که تجارت انسان غالباً با توسل به زور و تهدید یا اغفال و فریب صورت گرفته و افراد قاچاق شده طی شرایطی مجبور به انجام خواسته‌های قاچاقچیان می‌گردند.

۲. سود حاصله از فحشا عاید فرد مرتکب و ارتباط دارندگان این مسئله می‌شود، در صورتی که منافع مالی و مادی کلان حاصله از تجارت انسان نصیب قاچاقچیان شده و تنها به قدر گذران زندگی به قربانیان قاچاق انسان پول داده می‌شود.

۳. برای انجام عمل شنیع فحشا نیازی به گذر از مرزها نیست، حال آنکه قربانیان تجارت شوم انسان برای محقق گشتن اهداف قاچاقچیان از مرزهای بین‌المللی عبور داده می‌شوند تا در کلوب‌های رقص برهنه، فاحشه‌خانه‌ها، مراکز ماساژ و سایر مراکز صنعت سکس خدمات جنسی ارائه دهند.

۴. فحشا مسئله داخلی کشورها بوده و نحوه برخورد با آن در اختیار دولت‌هاست. دولت‌ها مختارند آن را جرم تلقی کرده یا قانونی اعلام نمایند یا هرگونه سیاست دیگری در این خصوص اتخاذ کنند، در حالی که مطابق پروتکل «پیشگیری، سرکوب و مجازات تجارت انسان به‌ویژه زنان و کودکان»، قاچاق انسان جنبه بین‌المللی داشته و جرم محسوب می‌گردد.

۵. مطابق با حقوق بین‌الملل کیفری، فرد مورد قاچاق، بزه‌دیده محسوب می‌شود، حال آنکه فردی که مرتکب فحشا و روسپی‌گری می‌گردد بسته به سیاست داخلی دولت‌ها ممکن است مجرم و یا فردی عادی تلقی شود.

در خاتمه باید گفت: قانونی دانستن فحشا و به رسمیت شناختن آن در برخی کشورها، موجبات تشویق قاچاقچیان انسان برای استفاده از بزه‌دیدگان در صنعت سکس را فراهم آورده و باعث گسترش تجارت انسان برای بهره‌کشی جنسی می‌گردد.

برده‌داری و تجارت انسانی

ناگفته پیداست که بردگی و برده‌داری از جمله بزرگ‌ترین جنایات بشریت است؛ زیرا حق آزادی را از فرد سلب کرده و ارزش و کرامت انسان را لگدمال می‌کند.

در قرارداد تکمیلی «منع بردگی و برده‌فروشی» که در سپتامبر ۱۹۲۶ به تصویب رسید، در تعریف بردگی آمده است: «بردگی به معنی حال یا وضع کسی است که اختیارات ناشیه از حق مالکیت کلاً یا جزئاً نسبت به او اعمال می‌شود و برده کسی است که در چنین حال یا وضع باشد.» (عبادی، ۱۳۷۳، ص ۳۳)

در سال ۱۹۹۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (Rome statute of the Internatoinal court) در رم به تصویب رسید. به بردگی گرفتن یکی از جرایمی است که علیه بشریت محسوب شده و این دیوان صلاحیت رسیدگی به آن را داراست. در این اساسنامه بردگی چنین تعریف شده است: «به بردگی گرفتن یعنی: اعمال اختیارات مربوط به حق مالکیت بر انسان، و مشتمل است بر اعمال چنین اختیاری برای خرید و فروش انسان به‌ویژه زنان و کودکان.»

در آیین حیات‌بخش اسلام، عزت و کرامت انسان‌ها از ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بردگی در اسلام امری است موقتی که فقط به هنگام جنگ به شکل به اسارت درآوردن اسرای جنگی مشروعیت پیدا می‌کند و در کنار آن، اسلام به تدابیری حکیمانه در خصوص آزادی بردگان مبادرت ورزیده است.

خداوند حکیم در آیات ۱۱-۱۳ سوره بلد می‌فرماید: ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكُّ رَقَبَةٍ﴾؛ آدمی از گردنه گذر نکرده است! (تا به قلّه سعادت یا بهشت موعود رسد) و تو چه می‌دانی که گردنه چیست؟ برده‌ای را آزاد کردن است.

اسلام دین برادری و برابری است؛ همه در برابر خالق یکتا همانند دندانه‌های شانه برابرند و کسی را بر دیگری ولایت و امتیازی نیست، مگر در داشتن تقوا که خداوند صریحاً می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (احزاب: ۱۳) از بررسی دیگر آیات الهی، ولایت مطلق خداوند نتیجه گرفته می‌شود. در این آیات، برای تفهیم ولایت الهی از کلماتی همچون «رب» و «ولئ» استفاده شده است. آیات زیر گویای این مطلب است:

- ﴿لَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (آل عمران: ۶۴)؛

- ﴿لَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا﴾ (آل عمران: ۷۹)؛

- ﴿بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ﴾ (آل عمران: ۱۵۰)؛

- ﴿وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا﴾ (نساء: ۴۵).

این آیات و آیات عدیده دیگر، بر عدم ولایت انسان بر انسان دیگر دلالت دارند و خدا را صاحب اختیار مطلق می‌دانند.

مولای متقیان علی عليه السلام، این آیینۀ تمام‌نمای اسلام، اسطورهٔ ایمان، مظهر عدل و عدالت، الگوی کامل عبودیت در برابر حضرت حق و قرآن ناطق، در کلام گهربارش آزادی انسان‌ها را این‌گونه به تصویر کشیده است: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَدَمَ لَمْ يُولَدْ عَبْدًا وَلَا أُمَّةً، النَّاسُ كُلُّهُمْ أَحْرَارٌ» (کلینی، بی‌تا، ص ۸۶)؛ ای مردم! همانا شما برده و کنیز زاده نشده‌اید، همهٔ مردم آزادند. در جای دیگر می‌فرمایند: «لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (جرداق، [بی‌تا]، نامه ۳۱، ج ۱، ص ۱۰۹ و ۱۷۱)؛ خود را بندهٔ دیگری مکن که خداوند تو را آزاد آفریده است.

پرواضح است که به کارگیری لفظ بردگی در اسلام تسامحی است؛ چه در غیر این

صورت، در کتب فقهی می‌بایست بابی به نام استرقاق (برده‌گیری) مشاهده می‌گشت، حال آنکه در هیچ منبع و مأخذی چنین بابی موجود نیست، بلکه همگی در «کتاب عتق» از آزادی بردگان سخن به میان آورده‌اند. دین مبین اسلام بردگی را با شرایط خاص و فقط به هنگام جنگ جایز شمرده است و با تدابیری تلاش در ریشه‌کن کردن آن داشته است.

اهداف حاصله از قاچاق انسان

پیشرفت‌های بشر در زمینه فناوری، ارتباطات، صنعت، تجارت و مانند آن موجبات سوق آدمی به سمت رفاه‌طلبی، تجمل‌گرایی و مادیات را فراهم آورده است و از آن رو که همه افراد همیشه قادر به کسب درآمدهای مشروع برای وصول به اهدافشان نمی‌باشند، برخی با دست‌یازی به انواع ترفندها و تزویرها اقدام به جلب منافع مالی و سودهای کلان می‌نمایند. اعضای باندهای سازمان‌یافته نظیر باندهای قاچاق انسان، از جمله این افراد می‌باشند که برای نیل به اهدافشان از هیچ اقدامی روی‌گردان نیستند.

به طور کلی، اهداف حاصله از قاچاق انسان را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

الف. بهره‌کشی جنسی

قاره آسیا مسیر اصلی عبور قربانیان قاچاق انسان از ویتنام و تایلند به کامبوج، چین و سنگاپور است و اکثر قربانیان زن به کار در مراکز فساد یا کارگاه‌های کار سخت وادار می‌شوند. (به نقل از: گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱/۸) آمارهای سازمان‌های

غیردولتی در بنگلادش تعداد زنان و دختران قربانی قاچاق به هند را سالانه بین ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر تخمین زده‌اند. (همان) در طی چند سال اخیر، هزاران عراقی و افغانی با هزینه ۴ تا ۸ هزار دلار برای هر نفر، توسط قایق‌های فرسوده به استرالیا قاچاق شده‌اند. (همان) زنان آسیایی با قیمت ۲۰ هزار دلار در آمریکا و ژاپن به فروش می‌رسند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱/۲۸) در ژاپن قریب ۴۰ تا ۵۰ هزار زن تایلندی به کارهای غیراخلاقی اشتغال دارند. (همان) ۲۰۰ هزار زن نپالی که اغلب زیر ۱۸ سال می‌باشند در هند مورد استثمار جنسی و جسمی قرار می‌گیرند. (روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۸)

بر اساس تخمین سازمان ملل، سودی بالغ بر ۵ تا ۷ میلیارد دلار آمریکا از طریق این تجارت کثیف عاید قاچاقچیان انسان می‌شود.

در اینجا بجاست به یکی از مواردی که در قانون علیه قاچاق اشخاص در سال ۲۰۰۰ در پارلمان ایالات متحده به تصویب رسید اشاره نماییم. در این مورد آمده است: «سالانه حداقل هفتصد هزار نفر - عمدتاً زنان و کودکان - از مرزهای بین‌المللی قاچاق می‌شوند که حدود پنجاه هزار نفر از زنان و کودکان به داخل سرزمین ایالات متحده قاچاق می‌شوند.» (سلیمی صادق، ۱۳۷۷، ص ۸۸) بر اساس گزارش خبرگزاری فرانسه و به نقل از فرستاده ویژه امور تجارت انسان در سازمان امنیت و همکاری اروپا، سالیانه ۳ میلیون کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال در جهان خرید و فروش می‌شوند. (خرید و فروش سالانه سه میلیون کودک در جهان. <http://www.Koodelan.Com/news/0008.Htm>)

قاچاق زنان در کشورهای اسلامی و ایران؛ نخستین گزارش قاچاق زنان در کشور ایران، در سال ۱۳۴۰ ارائه شده است. در آن سال مأموران مرزی ایران، مرد عربی را

که قصد خروج از ایران داشت، در نقطه‌ای ممنوعه دستگیر کردند. به همراه این مرد، یازده زن و دختر جوان ایرانی بودند که بعد از تحقیق معلوم شد وی این افراد را از نقاط مختلف کشور جمع‌آوری نموده و قصد داشته است آنها را در برخی کشورهای عربی به فروش برساند. (بوسار، ۱۳۷۵، ص ۱۶) همچنین گزارش‌های دیگری از فروش دختران توسط پدر خانواده در سال ۱۳۴۳ به ثبت رسیده است. (راستین، ۱۳۴۵، ص ۲۸۴ و ۲۸۷) این معضل بر اثر برخی عوامل تاکنون ادامه داشته و متأسفانه در سال‌های اخیر گسترش یافته است. برای نمونه، می‌توان به یک شبکه گسترده قاچاق زنان و دختران در این زمینه اشاره کرد. این شبکه توسط تعدادی از زنان قواد، پس از شناسایی و فریب دختران و زنان ایرانی که از نظر خانوادگی مشکل مالی داشتند، با اخذ گذرنامه و روادید، آنها را به طور قانونی به دبی می‌فرستاد تا در آنجا برای مقاصد شوم به کار گرفته شوند. (روزنامه ایران، ۱۳۷۹/۱۱/۲۴) در گزارش دیگری آمده است: زن و مرد بلوچی که با شکار دختران جوان، آنان را با نقشهٔ ماهرانه‌ای به خانه‌های فساد پاکستان قاچاق می‌کردند، در ردیابی‌های فوق تخصصی پلیس خراسان دستگیر شدند. (روزنامه ایران، ۱۳۸۱/۶/۲ و یا: یک دختر فراری، از قاچاق دختران جوان به کشورهای عربی پرده برداشت. (روزنامه مردم‌سالاری، ۱۳۸۱/۱۱/۲۶)

در ایران، افرادی که زنان را به سایر کشورها قاچاق می‌کنند معمولاً شامل یکی از سه دسته ذیل می‌باشند:

۱. زنان قواد، بدنام و فاسدی که تلاش دارند با فریب دختران و زنان جوان، آنان را به دام انداخته (روزنامه ایران، ۱۳۷۹/۱۱/۲۴) یا با شکار دختران فراری و سرگردان، آنها را به دلالتان سایر کشورها بفروشد. (روزنامه خراسان، ۱۳۸۱/۴/۱۵)

۲. جوانان اوباش و شرور که در قالب باندهای زیرزمینی، به ربودن دختران (عموماً دختران سرگردان و زنان خیابانی) اقدام می‌کنند. (روزنامه ایران، ۱۳۸۱/۶/۲)

۳. پیرمردهای متمولی که نقش واسطه را ایفا می‌کنند و دختران و زنان را برای سوءاستفاده به کشورهای قطر، کویت، امارات (دبی) و... قاچاق می‌کنند. (روزنامه خراسان، ۱۳۸۱/۴/۱۵)

البته لازم به یادآوری است که بیشتر اوقات این سه گروه (زنان قواد، جوانان شیاد و پیرمردان طماع) در این کار با یکدیگر همکاری می‌کنند.

وضعیت قربانیان قاچاق: بررسی وضعیت قربانیان قاچاق، به‌ویژه زنان، بر حسب متغیرهایی نظیر سن، طبقه اقتصادی و اجتماعی، سطح تحصیلات و وضعیت خانوادگی می‌تواند درک روشن‌تری از این جرم سازمان‌یافته و راه‌کارهای مقابله با آن ایجاد کند.

۱. سن: سن این افراد عموماً بین ۱۴ تا ۲۵ سال می‌باشد. (روزنامه‌های کیهان، ۱۳۸۱/۷/۲۱؛ اطلاعات، ۱۳۸۱/۵/۲۷؛ همشهری، ۱۳۸۱/۸/۹) پایین بودن سن قربانیان، نشان‌دهنده میزان آسیب‌پذیری دختران در برابر سوءاستفاده‌های جنسی است. از این رو، برخورد سریع و وسیع با این پدیده از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد. بدیهی است به پایان رسیدن این واقعه تلخ نیازمند مبارزه‌ای جدی و فراگیر است.

۲. **وضعیت اجتماعی:** در اکثر موارد کشمکش‌های درون خانواده، اعتیاد والدین، طلاق، مسکن نامناسب، سکونت در مناطق پرجمعیت و حاشیه شهرهای بزرگ موجب می‌شود تا تعدادی از دختران، محیط نامساعد خانه را ترک کرده و به

درون جامعه راه بیابند. (روزنامه جوان، ۱۳۸۱/۶/۲۶) به اعتقاد سخنگوی مؤسسه بین‌المللی حمایت از حقوق کودکان، امروزه فرزندان زوج‌های مطلقه بیشتر در معرض خطر رفتاری در دام قاچاقچیان قرار دارند. (خبرگزاری زنان ایران، ۱۳۸۳/۸/۲۷)

۳. سطح تحصیلات: به دلیل آنکه اغلب قربانیان قاچاق، از اقشار بسیار فقیر یا دختران فراری می‌باشند، از نظر تحصیلی در سطح دوره راهنمایی و دبیرستان هستند. کارشناسان معتقدند دخترانی که طعمه این باندها می‌شوند، غالباً افرادی هستند که تحصیلات کمی دارند، و از فقر فرهنگی و ضعف اعتقادات رنج می‌برند. (روزنامه انتخاب، ۱۳۸۱/۱۰/۱۲) گزارش‌های اخیر نشان می‌دهند که بعضی از دختران دارای تحصیلات عالی نیز به این مسیر کشانده شده‌اند. (روزنامه ایران، ۱۳۸۱/۶/۲) البته این وضع منحصر به کشور ایران نیست و در سایر کشورهای جهان سوم نیز مشابه این پدیده مشاهده می‌شود. *ژورنال علم‌انسانی و مطالعات فرهنگی*

۴. وضعیت اقتصادی: خانواده این قربانیان یا از خانواده‌های فقیر و کم‌بضاعت هستند (روزنامه‌های اعتماد، ۱۳۸۱/۹/۳۰ و انتخاب، ۱۳۸۱/۱۰/۱۲) و یا متعلق به خانواده‌های طلاق می‌باشند. اما دسته‌ای از آنها به خاطر فقر اقتصادی خانواده، به این امر تنگین تن می‌دهند. (روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۸/۷)، گاهی نیز پدر خانواده، مجبور به فروش دختران خود می‌شود. (اشتری، ۱۳۸۰، ص ۵۵) البته مواردی از فرار دختران خانواده‌های مرفه نیز گزارش شده است. بنا بر تحقیقات نیروی انتظامی، ۸۰ درصد دختران فراری در سنین بالا، متعلق به خانواده‌های مرفه و متوسط رو به بالا هستند. (روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۱۲/۲) «مصاحبه با جانشین معاون اجتماعی ناجا»

ب. ازدواج‌های اجباری و دروغین

ازدواج‌های دروغین از جمله ترفندهای دیگری است که در نهایت به تجارت زنان و دختران می‌انجامد. یکی از شیوه‌های فریب دختران جوان، دادن قول ازدواج به آنها و جلب اعتماد ایشان برای تحقق پیدا کردن اهداف پلید قاچاقچیان انسان است. امروزه دیگر دختران به زور وادار به ازدواج نمی‌شوند، بلکه با تزویرهای گوناگون به این عمل تن داده و سپس وارد شبکه گسترده قاچاق انسان می‌گردند. آمارهای دقیقی در این مورد موجود نیست. برخی از والدین به دلیل فقر مادی یا دلایل دیگر، در مقابل اخذ وجوهی اقدام به فروش دختران خود به مشتریان یا ازدواج اجباری آنان به خواستگاران دروغی می‌کنند، به گونه‌ای که دختران بی‌گناه به زور و تحمیل به ازدواج افراد سودجو درمی‌آیند. اما سؤال اینجاست که چه آثاری بر این عقود اجباری مترتب است و حکم این ازدواج‌ها و فرزندانشان تولد یافته از این ازدواج‌ها چیست؟

در نظام حقوقی اسلام، رضایت متعاقدين یکی از شرایط صحت عقود است. این شرط از شروط عمومی هر قراردادی است و بدون آن هیچ عمل حقوقی منعقد نگشته و از اعتبار شرعی و قانونی برخوردار نمی‌باشد. امر ازدواج نیز از این قاعده مستثنا نیست و ازدواج باید با رضایت طرفین صورت گیرد یا در صورتی که ولی مبادرت به ازدواج مولی علیه می‌نماید باید مصلحت او را در نظر بگیرد، در غیر این صورت نکاح شرعی و قانونی منعقد نشده است.

آیت‌الله مکارم شیرازی در این زمینه چنین اظهار نظر کرده‌اند: «بدون شک این کار یکی از زشت‌ترین کارهاست که از نظر شرع مقدس اسلام ممنوع و مشتمل بر محرمات کثیره‌ای است و بر حکومت اسلامی واجب است جلوی آن را با دقت و قدرت بگیرد و عاملین را مجازات کند و بر رسانه‌های گروهی نیز لازم است مردم را در

این زمینه روشن سازند تا در دام این شیاطین انسان‌نما نیفتند و اما از نظر صحت عقد، چنانچه زن به هنگام عقد راضی نبوده و پس از آن هرگز راضی نشده باشد، چنان عقدی باطل است و زن می‌تواند بدون طلاق و با رعایت عده با شخص دیگری ازدواج کند و فرزندى که از چنین ازدواجی به دنیا می‌آید نامشروع است و از پدر و مادر خویش ارث نمی‌برد و آنها هم از او ارث نمی‌برند و بر همگان مخصوصاً مسئولان لازم است تمهیداتی ببینند که عملاً از وقوع چنین ازدواج‌هایی جلوگیری شود.

(<http://www.Iran.newspaper.com/1384/840/840721/html/maoara.Htm.2006/7/2>)

آیت‌الله موسوی اردبیلی نیز تصریح کرده‌اند: «آنچه احياناً انجام شود و از آن تعبیر به تجارت انسان می‌شود بسیار کار زشتی است و حرام می‌باشد. ازدواج تحمیلی باطل است و آثار عقد صحیح را ندارد.» (همان)

ج. معاملهٔ اعضای بدن انسان

بازارهای جهانی خرید و فروش کودکان و نوزادان بخش مهمی از تجارت انسان به حساب می‌آید؛ زیرا تقاضا برای خرید اعضای بدن روز به روز سیر صعودی پیدا می‌کند و منبع تأمین آن، مردم فقیر جهان، بخصوص مردم کشورهای جهان سوم هستند که ارزان و پایان‌ناپذیرند. بر همین اساس، سازمانی به نام «Euro Transplantation» با نه عضو در اروپا به فعالیت مشغول است. (تبریزی، ۱۳۷۹، ص ۳۷)

عمده مشتریان اعضای بدن را طبقات سرمایه‌دار و مرفه که خواستار عمر طولانی‌اند، تشکیل می‌دهند. باندهای سازمان‌یافته تجارت انسان نیز در راستای تمنیات این اقشار، یعنی تعویض اندام‌های معیوب یا ناقص با اندام‌های سالم که چند صباحی بیشتر آنان را در قید حیات نگه دارد، با اقدام به آدم‌ربایی یا قاچاق انسان، به

خدمتگزاری این افراد و در نهایت جلب منافع کلان برای خودشان می‌پردازند. در مورد خرید و فروش اعضای بدن انسان نیز ممنوعیت این عمل با تکیه بر کلام زیر روشن می‌گردد. حضرت آیت‌الله گلپایگانی رحمته الله علیه در پاسخ سؤال «هل يجوز بيع بعض اعضاء البدن لمن يحتاج اليها كالكليّة او غيرها في الحال الحياة او بعد الممات؟» می‌فرماید: «لا يجوز بيعها.» (محمودی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۴۱) بر این اساس، وقتی اجازه فروش عضوی همچون کلیه که مورد نیاز بوده، داده نشده است چگونه ممکن است خرید و فروش اعضای بدن خود فرد یا دیگری، آن هم نه از باب احتیاج، بلکه برای سودجویی مجاز باشد؟ عقل سلیم هرگز چنین امری را معقول و مقبول ندانسته و شرع نیز بر آن صحه نمی‌گذارد.

علل بروز و توسعه تجارت انسان

بررسی علل بروز این پدیده شوم می‌تواند دست‌اندرکاران امر را به اخذ تدابیری در جهت ریشه‌کن کردن علل و عوامل ایجاد و توسعه آن یاری رساند. به طور کلی، عوامل بروز جرم تجارت انسان را می‌توان به علل فرهنگی - اجتماعی و همچنین علل حقوقی و اقتصادی تقسیم کرد.

الف. علل فرهنگی - اجتماعی

۱. **تبدیل ضد ارزش‌ها به ارزش:** از جمله علل بروز خرید و فروش انسان ضعف در اعتقادات دینی و باورهای مذهبی است. اعتقاد راسخ به حضرت حق و ایمان استوار به روز بازپسین مؤثرترین عامل بازدارنده از وسوس شیطانی است. هنگامی که باورهای دینی سست و بی‌پایه گشت، فروغلتیدن آدمی در منجلاب معاصی آسان می‌نماید.

از دیگر عوامل مؤثر در گسترش قاچاق انسان فقر فرهنگی است. فقر فرهنگی به معنای خلأ درونی انسان از ارزش‌های واقعی، هنجارها و آداب و رسوم صحیح زیستن است. افرادی که دچار ضعف اعتقادات و فقر فرهنگی می‌باشند شخصیتی بیمار دارند که برای فرار از این بیماری ممکن است به هر عملی متوسل گردند. این افراد برای بازیابی موقعیت‌های اجتماعی نداشته خود، جبران کمبودهای عاطفی و روانی، جلب توجه و اعتماد دیگران، و نیز عوام‌فریبی از هیچ‌گونه اعمال خلاف، غیرشرعی و غیرقانونی روی‌گردان نخواهند بود.

آن هنگام که بی‌اعتقادی جای ایمان بنشیند، تقوا و خودنگه‌داری مبدل به بی‌بند و باری شود، شهوت‌رانی و شهوت‌پرستی ارزش تلقی گردد، ثروتمندی (آن هم از هر طریق ممکن) غنا و بی‌نیازی محسوب شود، احترام به مقدسات به سخره گرفته شود، و مادیات و تجمل‌گرایی جای معنویات را بگیرد، نظام اجتماعی به خطر خواهد افتاد، حقوق انسان‌ها پایمال خواهد شد و پدیده خرید و فروش انسان به راحتی به وقوع پیوسته و گسترش روزافزونی خواهد یافت.

از جمله صفات نیک اخلاقی و انسانی، صفت «غیرت» است. غیرت به این معناست که انسان در حفظ ناموس خود بکوشد. در این زمینه، بر زنان نیز فرض است که در این جهت جدی‌تر باشند و هرگز نپذیرند که ابزاری برای لذت‌جویی نامحرمان گردند.

سرمنشأ پوشیدگی آدمیان، حیاورزی آنان است. همان‌گونه که برهنگی از بی‌شرمی برمی‌خیزد، رعایت حجاب نشانه بهره‌مندی از خصلت نیکوی حیا است. اصولاً شرم و حیا از صفات فطری آدمی است. شرم یکی از صفات مخصوص انسان است و انسان تنها موجود زنده‌ای است که اندام‌های خود را می‌پوشاند. بنابراین،

همان‌گونه که سخن گفتن، وجدان داشتن و برخورداری از تفکر و منطق، از جمله تفاوت‌های انسان و حیوان است و برای انسان کمال محسوب می‌شود و به او ارزش می‌دهد، چرا احساس شرم و حیا و گریز از برهنگی کمال محسوب نشود؟

در روایات آمده است: خردمندترین مردم پرحیاترین آنها هستند. برخی از روایات نیز دین‌داری را مساوی با حیورزی محسوب کرده‌اند و بی‌حیایی را برابر بی‌دینی.

۲. تعارض فرهنگی: وجود خرده‌فرهنگ‌های منحرف که با ارزش‌ها و هنجارهای مسلط جامعه در تعارض است از دیگر موجبات گسترش تجارت انسان‌ها به شمار می‌رود. خرده‌فرهنگ در مقابل فرهنگ غالب که فرهنگ طبقه متوسط است قرار دارد. (اشوری، ۱۳۸۲-۱۳۸۳، ص ۷۵) تشکیل این خرده‌فرهنگ‌ها به عوامل گوناگونی بستگی دارد؛ از جمله ناکامی‌های اجتماعی، دسترسی به اینترنت و ماهواره و گرایش به تجملات.

ارزش‌ها و هنجارهای این خرده‌فرهنگ‌ها دقیقاً خلاف ارزش‌های مقبول جامعه است. معیارهای موفقیت و منزلت نیز کاملاً متفاوت از معیارهای موفقیت اجتماع می‌باشد. در این خرده‌فرهنگ‌ها، ارزش و احترام کسی بیشتر است که بهتر دورغ گوید، ماهرانه‌تر سرقت کند، کمتر دستگیر شود و مانند آن.

۳. فقدان فرصت‌های آموزشی: آمارها نشان می‌دهد اغلب قربانیان قاچاق انسان را افراد کم‌سواد یا بی‌سواد تشکیل می‌دهند. فقدان تحصیلات، عدم دسترسی به اطلاعات درست و عدم آگاهی از وضعیت قربانیان باندهای قاچاق انسان از یک‌سو و عدم محبت به دختران در مقابل پسران در بعضی خانواده‌ها و فقدان جایگاه مناسب در خانواده از سوی دیگر، منجر به فرار آنان از منزل و گرفتار شدن در دام مافیای قاچاق زنان و دختران می‌گردد و میزان آسیب‌پذیری این افراد را تشدید می‌نماید.

۴. **خانواده‌های نابسامان:** از جمله عواملی که منجر به کشیده شدن فرد به سمت بزه و خلاف می‌شود جو نامساعد خانواده است. مسائلی همچون طلاق والدین، اعتیاد والدین، ازدواج‌های اجباری، معاشرت‌های نادرست زن و شوهر، کتک خوردن از همسر، زورگویی پسران نسبت به دختران در برخی از خانواده‌ها، و محدودیت‌های بیش از حد یا آزادی‌های افراطی موجبات بروز واکنش‌های خاصی را از جانب افراد فراهم می‌کند. یکی از این واکنش‌ها، مسئله فرار از خانه و به دنبال آن وضعیت نامناسب زندگی، سردرگمی، بی‌پناهی، نبود مکان امن و در نهایت، گرفتار شدن در دام باندهای فساد است. می‌توان گفت: همین که دختران فراری یک بار بازداشت شوند، برچسب فراری و فاسد به آنها خواهد خورد و به عنوان فردی کجرو و غیرقابل اعتماد شناخته می‌شوند. در این‌گونه موارد، حتی برخی خانواده‌ها نیز حاضر به پذیرش آنها نیستند و این سرآغازی است برای سقوط فرد در ورطه رفتار تبه‌کارانه و فاصله گرفتن از میثاق‌های اجتماعی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ب. علل اقتصادی

از جمله علل اقتصادی تجارت انسان، می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

۱. **فقر مالی:** در اکثر پرونده‌های مربوط به موضوع قاچاق انسان، فقر مهم‌ترین و ریشه‌ای‌ترین عامل ارتکاب این عمل است. اغلب قربانیان قاچاق انسان از اقشار کم درآمد و فقیر تشکیل شده‌اند. اینان که از شرایط سخت زندگی در عذابند، در آرزوی دستیابی به یک زندگی آرمانی، رؤیایی و مرفه حاضر به تن دادن به هر عملی می‌باشند. «حتی گاهی پدر خانواده به دلیل نیاز مادی مجبور به فروش دختران خود

می‌گردد.» (اشتری، ۱۳۸۰، ص ۵۵) مستعد بودن چنین افرادی برای اغفال شدن توسط تاجران انسان، باندهای قاچاق را بر آن داشته است که به سراغ فقیرترین افراد رفته تا راحت‌تر بتوانند برای پرداخت بدهی‌های ناشی از قراردادهای منعقد شده با قاچاقچیان انسان، قربانیان خود را استعمار کنند.

۲. بیکاری یا فقدان فرصت‌های شغلی: نبود فرصت‌های شغلی مناسب، بیکاری و ناتوانی از تأمین مایحتاج زندگی، در روی آوردن افراد به سوی مشاغل کاذب و نامشروع، همچون کسب درآمد از راه تن‌فروشی و یا قاچاق (از هر نوع آن) بسیار مؤثر است. عمده افرادی که قربانیان این‌گونه مشاغل می‌گردند و یا در دام باندهای قاچاق انسان گرفتار می‌شوند، کسانی هستند که از داشتن شغل آبرومند و منبع درآمد مشروع محرومند.

۳. سودآوری کلان: اصلی‌ترین و ساده‌ترین دلیل افزایش تجارت انسان، سودآوری کلان آن است. «قاچاق زنان و دختران پس از قاچاق مواد مخدر از سودآورترین انواع قاچاق است. (روزنامه آفرینش، ۱۳۸۱/۹/۷، مصاحبه با اعظم ناصری عضو فراقسیون زنان مجلس) بنا بر آمارهای ارائه شده، قاچاقچیان تنها از بازار جهانی فحشا سالانه هفت میلیارد دلار سود کسب می‌کنند. (روزنامه حیات نو، ۱۳۸۱/۳/۲) میزان درآمد حاصله از فحشای کودکان، بالغ بر دو میلیارد دلار می‌باشد (اشتری، ۱۳۸۰، ص ۳۵) سازمان بهداشت جهانی با پرده‌برداری از ابعاد دردناک‌تری از پدیده سیاه تجارت انسان می‌گوید: تجارت و بهره‌کشی انسان به طور عمده از زنان و دختران، به‌ویژه در روسیه و ترکیه، در حال رشد است و سود آن بین ۷ تا ۱۳ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

ج. علل حقوقی

علل حقوقی تجارت انسان را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱. **خلأ قانونی:** نبود قوانین و مقررات حقوقی در بسیاری از کشورها، جامع نبودن قوانین و عدم تناسب مجازات و جرم و نیز فقدان ضمانت اجرایی قاطع، از جمله عوامل مؤثر در گسترش معضل تجارت انسان می‌باشد. تا چندی پیش خلأ قانونی برای مبارزه با قاچاق انسان در قوانین حقوقی کشور ما مشهود بود که خوشبختانه این خلأ قانونی، در سال ۸۳ رفع گردید لکن قوانین جدید نیز خالی از ابهام و ایراد نیستند که ضرورت دارد مورد اصلاح و بازنگری قرار گیرند.

۲. **دشوار بودن اثبات جرم:** پایین بودن درصد خطر برای عاملان قاچاق انسان از دیگر عواملی است که آنان را به این امر مصمم‌تر می‌نماید. آنان می‌دانند که در صورت شناسایی و دستگیری باندهای قاچاق انسان، متقاعد کردن قربانیان به شهادت دادن علیه این باندها، بسیار دشوار است؛ زیرا قربانیان از انتقام‌گیری قاچاقچیان از آنان و خانواده‌شان بیم دارند. فقدان حمایت‌های لازم از شاهدان نیز امر شهادت دادن در دادگاه‌ها را سخت می‌نماید. (همان، ص ۵۸)

به دلیل آنکه حضور و اشتغال اکثر بزه‌دیدگان در کشور مقصد فاقد مدارک و مراحل قانونی است، از مراجعه به مقامات انتظامی گریزانند و چون شاکی وجود ندارد و شکایتی مطرح نیست، پلیس و سایر نهادهای قانونی خود را مسئول پیگیری و مجازات سوداگران قاچاق انسان نمی‌دانند و در صورت کشف نیز اثبات جرم به سختی میسر است. همین مسئله بستر مناسبی برای توسعه این جرم را فراهم می‌کند.

۳. **فساد در نهادهای قانونی:** همکاری بعضی از مجریان قانون و سازمان‌های انتظامی همانند پلیس و قضات دادگاه‌ها با قاچاقچیان در کشورهای مختلف، تعقیب و

محاکمهٔ عاملان تجارت انسان را با مشکل مواجه کرده است. بعضاً دیده شده است که اعضای باندهای قاچاق با دادن مبالغی به مأموران مرزی، پلیس و قضات، آنان را به سکوت واداشته، با مقاصد شوم خود همراه می‌سازند. (روزنامه جام جم، ۱۴/۹/۱۳۷۹)

د. علل سیاسی

وجود وقایعی همچون ناآرامی‌ها و آشوب‌های داخلی، درگیری‌های اجتماعی، کشمکش‌های نیروهای نظامی درون مرزی، بی‌ثباتی و تزلزل سیاسی، تبعیض نژادی، جنگ‌های داخلی و انقلابات در هر کشوری اجتناب‌ناپذیر است. هر یک از این موارد می‌تواند موجب بی‌ثباتی اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورها شود. این بی‌ثباتی بسترساز ارتکاب انواع جرایم و جنایات است که از جملهٔ آنها می‌توان به خرید و فروش و تجارت انسان‌ها اشاره نمود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تجارت انسان از منظر فقهی

در آیین مقدس اسلام هرگونه خرید و فروش انسان با هر مقصد و منظوری نهی گشته و در جامعهٔ اسلامی از امور منفور قلمداد می‌شود.

الف. منع و حرمت بیع حر با تکیه بر آیات و روایات

اسلام ارتزاق از طریق فروش انسان‌ها را منع و به شدت آن را نهی کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «قال الله تعالى: ثلاثة انا خصمهم يوم القيامة، رجلٌ أعطى ثمَّ غدر، و رجلٌ باع حراً فأكَلَ ثَمَنَهُ...» (بخاری، [بی تا]، حدیث شماره ۱۰۶)؛ خداوند

فرموده است: من در روز قیامت با سه کس دشمنم: مردی که ببخشاید سپس نیرنگ زند، مردی که انسان آزادی را بفروشد و از بهای آن روزی خورد... در کتاب‌های امامیه این حدیث به خود پیامبر ﷺ نسبت داده شده است (حلی، [بی تا]، ج ۱، ص ۴۶۵؛ ج ۱۰، ص ۴۱)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام ضمن حدیثی، جزای فروش انسان آزاد را قطع دست کسی که مبادرت به این امر ورزیده است دانسته‌اند. (خوانساری، ۱۴۰۵ ق، ج ۷، ص ۱۴۷)

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت حکم به قطع دست مردی دادند که زن خود را فروخته بود. (طوسی، [بی تا]، ص ۲۴) همچنین امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره مردی که شخص آزادی را فروخته بود، چنین حکمی را صادر کردند. (حر عاملی، ج ۱۸، ص ۵۱۴) بیشتر این احادیث از اسناد بسیار معتبری برخوردارند که در این مجال نمی‌گنجد. اهتمام شارع مقدس به این امر به حدی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فروختن انسان آزاد را جزو سه گناه کبیره‌ای برمی‌شمرد که خداوند به هیچ وجه آن را نخواهد آمرزید. (کلینی، [بی تا]، ج ۵، ص ۳۸۲) در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فروشنده انسان آزاد، توبه ندارد و توبه او پذیرفته نیست، مگر اینکه شخص فروخته شده را برگرداند تا توبه او قبول شود. متن کامل حدیث چنین است: «اخبِرنا عبدالله، اخبِرنا محمد، حدیثی موسی، حدیثنا ابی، عن ابیه، عن جده جعفر بن محمد، عن ابیه، عن جده علی بن الحسین، عن ابیه، عن علی علیه السلام، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: لا توبه لمن باع حراً حتى یرده.» (طبرسی، [بی تا]، ج ۱۳، ص ۳۷۸ به نقل از مقاله قاچاق زنان در فقدان بایدها و نیایدها، خبرگزاری زنان ایران، مشهد، ۱۳۸۳/۷/۲۸) در حدیثی دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خود را در روز قیامت، دشمن کسی می‌داند که دست به فروش انسان آزاد بزند. (همان، ج ۴۱، ص ۳۱)

با نگاهی به کتب فقهی و با دقت نظر در آراء و فتاوای علمای شیعه و سنی درمی‌یابیم که عمل خرید و فروش انسان آزاد، مورد تقبیح شدید قرار گرفته و حکم به حرمت آن داده شده است. چه آنجا که با تعبیر «لَا يَصِحُّ بَيْعُ الْحُرِّ» (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ص ۹۴ / حلی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۴ / مکی‌العاملی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۱ / سبزواری، بی تا، ص ۸۹ / نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۲، ص ۳۴۳) یا «لَا يَجُوزُ بَيْعُ الْحُرِّ» (النووی، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۲۱؛ ج ۱۹، ص ۳۲۴ / ابن‌قدامه، بی تا، ج ۴، ص ۳۰۲ / بحرانی، بی تا، ج ۱۸، ص ۴۳۲ / الحر‌العاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲، باب ۲۱؛ ج ۱۸، ص ۲۵۱ / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۶، ص ۱۰؛ ج ۹۷، ص ۵۶؛ ج ۱۰۱، ص ۱۹۹) به نهی از این عمل حکم می‌شود و چه آنجا که تعبیر «يَحْرِمُ بَيْعُ الْحُرِّ» (حرعاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۱۷۵) و یا «بَيْعُ الْحُرِّ حَرَامٌ» (حلی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۱ / خویی، ۱۳۶۶، ج ۶ ص ۱۱۱) و یا «حَرَمَ بَيْعُ الْحُرِّ» (قدامه، بی تا، ص ۳۰۴) به کار برده می‌شود. همه این تعابیر گویای حرمت، عدم صحت و عدم جواز خرید و فروش انسان آزاد می‌باشد؛ یعنی علاوه بر آنکه از لحاظ تکلیفی حکم حرمت بر آن بار شده است و دارای مجازات اخروی است، از لحاظ وضعی نیز چنین خرید و فروشی از صحت و نفوذ برخوردار نیست. در کتاب تکمله منهاج الصالحین چنین آمده است: «مَنْ بَاعَ انْسَانًا حُرًّا، صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا، ذَكَرًا كَانَ أَوْ اُنْثَى قَطَعَتْ يَدَهُ» (خویی، ۱۳۶۶، ص ۵۱ مسئله ۲۵۹ / روحانی، بی تا، ص ۵۳)؛ هر کس انسان آزادی را بفروشد، خواه کوچک یا بزرگ باشد، مذکر یا مؤنث باشد، دستش قطع می‌شود.

گسترده‌گی این حکم نشانگر آن است که هیچ فرقی میان افراد انسانی از لحاظ جنسیت، مذهب، سن و دیگر صفات وجود ندارد؛ یعنی «انسان بما هو انسان» قابل خرید و فروش نیست. فقها، برای این نوع تجارت، وصف مجرمانه قایل بوده و برای

آن مجازات تعیین کرده‌اند. در کتاب جامع المدارک آمده است: «أَمَا بَيْعِ الْحُرِّ قَطُّعَ يَدِ الْبَايِعِ لَدَفْحِ الْفَسَادِ.» (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۱۴۷) مرحوم خوانساری این قطع دست را به سبب حد سرقه نمی‌داند، بلکه معتقد است که دست فروشنده به موجب فساد وی باید قطع شود. (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۱۴۷)

فقهاء بزرگوار شیعه با تکیه بر آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده، خرید و فروش انسان را از مصادیق جرم افساد و محاربه دانسته و بر این اساس، یکی از موارد قطع دست در این آیه را ببيع الحر و الحره ذکر کرده‌اند زیرا انسان مال نیست که تعریف سرقه بر بودن او صدق کند بلکه بر اساس تطبیق با جرم، افساد بوده است. (امینی، آیتی، ۱۳۷۸، ص ۴۵۱) خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ...﴾؛ همانا کیفر آنان که با خدا و رسول او به جنگ برخیزند و به فساد در روی زمین بکوشند جز این نیست که آنها را به قتل رسانند یا به دار زنند و یا دست و پایشان را خلاف یکدیگر ببرند.

استفاده از مضمون این آیه روشنگر این مطلب است که فرد یا افرادی که مبادرت به قاچاق انسان با اهداف ذکر شده می‌نمایند از مصادیق «مفسد فی الارض» محسوب می‌شوند و خداوند چنین کیفر سختی در دنیا و کیفری سخت‌تر در آخرت برای آنها تعیین نموده است. در این باره دو نکته حایز اهمیت است:

نکته اول: بر اساس فتاوی‌ای علما و دلالت روایات وارده، رضایت و اجازه قربانی نه تنها از قبح عمل نمی‌کاهد، بلکه بر زشتی آن نیز می‌افزاید؛ از این رو، در صورت کمک فرد قربانی به قاچاقچیان، او نیز باید مجازات شود (و در صورت اجبار، باید به او کمک

کرد تا از دست قاچاقچیان خلاصی یابد.) در روایتی چنین آمده است: «هی ان کان استکرهها فلا شیء علیها و ان کانت اطاعته جلدت الحد» (کلینی، بی تا، ص ۲۲۹)؛ اگر زن مجبور باشد، چیزی بر او نیست، در غیر این صورت اگر زن مطیع باشد، باید حدّ زنا بر او جاری کرد. بر این اساس، مطابق متون اسلامی، حکم زنی که کمک‌کار قاچاقچیان بوده، با زنی که از روی اجبار به این کار تن داده است، متفاوت می‌باشد.

نکته دوم: در مجرمانه بودن این عمل، مسلمان بودن قربانی، شرط نیست، بلکه فروختن زن کافر یا مرد کافری که برده نیست نیز حرام می‌باشد. شهید اول و شهید ثانی (جعی عاملی، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۶۷) نیز خرید و فروش کافر حربی را (تا زمانی که به اسارت مسلمانان در نیامده است) حرام می‌دانند. شهید اول می‌نویسد: «حرم بیع الحر و شراؤه، و لا عبرة باذنه ولو کان حربیاً» (مکی العاملی، ج ۳، ص ۱۷۵)؛ خرید و فروش انسان آزاد، حتی اگر کافر حربی باشد، حرام است و اجازه و رضایت قربانی اهمیتی ندارد.

با نگاهی بر آنچه گذشت به وضوح درمی‌یابیم که در نظام حقوقی اسلام جرم خرید و فروش انسان‌ها، از جمله زنان، جرم سنگینی است که فقها حکم به حرمت و فساد چنین معامله‌ای داده و آن را در حکم محاربه با خدا و رسولش دانسته‌اند. در اسلام، خرید و فروش انسان‌ها هرگز در هیچ صورتی مجاز دانسته نشده است؛ چنان‌که در حدیثی از پیامبر ﷺ آمده است: «شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ النَّاسَ»؛ شریب‌ترین مردم کسی است که آنها را بفروشد. (صدوق، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۲۵۴)

بدین‌سان، اسلام با ظهورش در چهارده قرن پیش در جامعه‌ای که زن بسیار حقیر و پست شمرده می‌شد و تولد نوزاد دختر برای اعراب ننگ به شمار می‌رفت تا جایی که دختران تازه به دنیا آمده خود را زنده به گور می‌کردند، شخصیت و کرامت فراموش

شده ایشان را احیا نمود و به شیوه‌های مختلف کرامت انسانی زن را محفوظ دانست و آن را برای همگان آشکار ساخت. زنانی که در دوره جاهلیت از حقوق انسانی خود محروم بودند و حتی به دید یک انسان به آنها نگاه نمی‌شد، اجازه یافتند تا از امنیت جانی همانند مردان در جامعه برخوردار شوند و در جامعه حضور داشته باشند.

در آیات و روایات بسیار، بر حسن معاشرت و نیکویی به زنان سفارش شده و از آزار رساندن به زنان نهی شده است. در دوران تاریک پیش از اسلام به دلیل اینکه برای زنان هویت انسانی قایل نبودند، از هرگونه آزار و اذیت نسبت به آنان دریغ نمی‌کردند. اسلام حتی در برابر این‌گونه رفتارها مقاومت کرد. رسول اکرم ﷺ در این باره می‌فرمایند: «من ضَرَبَ امْرَأَةً بِغَيْرِ حَقِّ فَاَنَا خَصْمُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (دیلمی، بی‌تا، ص ۲۹۱)؛ کسی که همسر خود را بدون حق بزند من در روز قیامت دشمن او هستم.

بررسی پدیده قاچاق انسان در قوانین موضوعه

تا پیش از سال ۱۳۸۳ قانون مدون و جامعی در مورد تجارت انسان در کشور ایران موجود نبود و این مسئله امر رسیدگی به جرایم مربوط به قاچاق انسان را سخت می‌نمود. همین امر باعث گردید تا در سال ۱۳۸۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد. این قانون در ۸ ماده به تصویب رسیده است: ماده اول و دوم قانون مزبور به تعریف از این جرم پرداخته است. ماده سوم و چهارم به بیان کیفر آن اختصاص یافته است. مواد چهارم و پنجم آن قانون، وضعیت نهادهای دولتی یا مؤسسات خصوصی دست‌اندرکار قاچاق انسان را مشخص نموده است. ماده ششم به جرایم ترکیبی توجه کرده است؛ بدین معنا که قاچاق انسان با

ارتکاب جرایم دیگری همراه باشد در ماده هفتم به بیان این مسئله پرداخته است که مقررات این قانون شامل افراد تبعه ایران که در خارج از حاکمیت ایران زندگی می‌کنند نیز می‌گردد و ماده هشتم وضعیت اموال مصادره شده را تعیین کرده است. گرچه قانون مذکور از نکات مثبت بسیاری برخوردار است، اما ابهاماتی دارد که باید علما و متخصصان به رفع آنها بپردازند.

نتیجه

از جمع‌بندی مطالب بیان شده به دست می‌آید که معضل خرید و فروش انسان، به‌ویژه زنان و دختران آن هم در کشورهای اسلامی، از جمله ایران، از بزرگ‌ترین و دردناک‌ترین مصایب عصر حاضر محسوب می‌گردد. به دلیل آنکه دست‌اندرکاران این جرم جهانی از حمایت‌های همه‌جانبه قدرت‌های بانفوذ بهره‌مند می‌باشند، بر تمامی انسان‌ها به خصوص مسلمانان جهان، واجب است که برای حفظ حقوق انسانی و اسلامی خود کمر همت بربندند و با عزمی جهانی در راه خشکاندن ریشه این غده سرطانی قیام نمایند؛ چراکه قصور در این مسیر موجب شرمساری در پیشگاه حضرت حق و پایمال شدن حقوق انسانی و تنومند گردیدن این غده چرکین خواهد گشت.

منابع

۱. آشوری، محمد؛ جزوه جامعه‌شناسی جنایی؛ تهران: انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، سال اول ۸۳-۱۳۸۲.
۲. آمدی، علی بن محمد؛ *الاحکام فی اصول الاحکام*؛ [بی‌جا]، [بی‌نا]، [بی‌تا].
۳. ابن قدامه، عبدالله؛ *المغنی*؛ بیروت: دارالکتب عربی، [بی‌تا].
۴. احمدی، عبدالله؛ *جرم قاچاق*؛ [بی‌جا]، نشر میزان، بهار ۱۳۸۲.
۵. اردبیلی، احمد بن علی؛ *مجمع الفائده و البرهان*؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۶. اشتري، بهناز؛ *قاچاق زنان، بردگی معاصر*؛ [بی‌جا]، اندیشه برتر، ۱۳۸۰.
۷. اصفهانی، محمد حسین؛ *حاشیه المکاسب*؛ [بی‌جا]، العلمیه، [بی‌تا].
۸. الیاس انطوان؛ *فرهنگ نوین*؛ مترجم سید مصطفی طباطبایی؛ چاپ دهم، تهران: کتابفروشی اسلامیة، بهار ۱۳۷۷.
۹. امینی، علیرضا، آیتی، سیدمحمد رضا، *تحریر الروضة فی شرح اللمعة*، ۱۳۷۸، تهران، انتشارات سمت.
۱۰. بحرانی، یوسف بن احمد؛ *الحدائق الناضرة*؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، [بی‌تا].
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ *کتاب البیوع*؛ حدیث شماره ۱۰۶.
۱۲. بوسار، آندره؛ *بزهکاری بین‌المللی*؛ ترجمه نگار رخشانی؛ تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵.
۱۳. تبریزی، ایرج؛ *تجارت شیطان*؛ تهران: کیهان، ۱۳۷۹.
۱۴. ترقی، محمدعلی؛ *فرهنگ خیام*؛ چاپ هفتم، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۴.
۱۵. جبعی عاملی (شهیدثانی)؛ *مسالك الافهام*؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. جرجی، زیدان؛ *تاریخ تمدن اسلامی*؛ [بی‌جا]، چاپ قاهره، [بی‌تا].
۱۷. جرداق، جرج؛ *شرح نهج البلاغه*؛ نامه ۳۱، [بی‌جا]، [بی‌نا]، [بی‌تا].
۱۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ *ترمینولوژی حقوق*؛ تهران: گنج دانش، ۱۳۷۰.
۱۹. حر عاملی، محمد بن الحسن؛ *وسائل الشیعه*؛ قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت، ۱۴۱۴ ق.
۲۰. حلی (علامه)، حسن بن یوسف؛ *تحریر الاحکام*؛ مشهد: مؤسسه آل‌بیت، [بی‌تا].
۲۱. خوانساری، احمد؛ *جامع المدارک*؛ ج ۲، [بی‌جا]، کتابخانه الصدوق، ۱۴۰۵ ق.

۲۲. خوبی، ابوالقاسم؛ مصباح الفقاهه؛ قم: حیدریه، ۱۳۶۶ ش.
۲۳. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه؛ تهران: دانشگاه تهران، بهار ۱۳۷۳.
۲۴. دیلمی، حسن بن ابی الحسن؛ ارشاد دیلمی ۱ و ۲؛ [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
۲۵. راستین، منصور؛ از بردگی تا آزادی؛ تهران: کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۵.
۲۶. روحانی، محمدصادق؛ تکمله منهاج الصالحین؛ [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
۲۷. روزنامه آفرینش؛ ۱۳۸۱/۹/۷.
۲۸. روزنامه اطلاعات؛ ۱۳۸۱/۵/۲۷.
۲۹. روزنامه انتخاب؛ ۱۳۸۱/۱۰/۱۲.
۳۰. روزنامه ایران؛ ۱۳۸۱/۶/۲، ۱۳۸۱/۱۱/۲۴.
۳۱. روزنامه جمهوری؛ ۱۳۸۰/۱/۲۸.
۳۲. روزنامه جوان؛ ۱۳۸۱/۶/۲۶.
۳۳. روزنامه حیات نو؛ ۱۳۸۱/۳/۲.
۳۴. روزنامه خراسان؛ ۱۳۸۱/۴/۱۵.
۳۵. روزنامه کیهان؛ ۱۳۸۱/۷/۲۱.
۳۶. روزنامه مردم سالاری؛ ۱۳۸۱/۱۱/۲۶.
۳۷. روزنامه های اعتماد؛ ۱۳۸۱/۹/۳۰.
۳۸. روزنامه همشهری؛ ۱۳۸۱/۶/۸، ۱۳۸۱/۸/۹، ۱۳۸۱/۱۲/۲، ۱۳۸۱/۸/۷.
۳۹. زینعلی، جمیله؛ پایان نامه مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و سازمان ملل در قبال قاچاق زنان؛ قم: دانشگاه مفید، بهار ۱۳۸۴.
۴۰. سبزواری، محمدباقر؛ کفایة الاحکام؛ قم: مدرسه صدر مهدوی، [بی تا].
۴۱. سرخسی، شمس الدین؛ المبسوط؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۴۲. سلیمی صادق؛ جنایات سازمان یافته فراملی؛ تهران: صدا، ۱۳۷۷.
۴۳. سوفی، موسکو؛ غرب در آینه فرهنگ؛ [بی جا]، [بی نا]، دی ۱۳۸۰.
۴۴. صدوق، محمّد بن علی؛ من لا یحضره الفقیه؛ [بی جا]، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۴۵. طباطبائی حکیم، سیدمحسن؛ نهج الفقاهه؛ قم: انتشارات ۲۲ بهمن، [بی تا].

۴۶. طباطبائی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی؛ بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، [بی تا]، [بی جا].
۴۷. طوسی، محمد بن الحسن بن علی؛ تهذیب الاحکام؛ بیروت: [بی نا]، [بی تا].
۴۸. عاملی، محمد؛ نهایة المرام؛ [بی جا]، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۴۹. عبادی، شیرین؛ تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران؛ تهران: روشنگران، ۱۳۷۳.
۵۰. فعالی، محمدعلی؛ «بررسی معضل روسپیگری در گفت و گو با صاحب نظران»؛ فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۱.
۵۱. فلاحتی، علی؛ «روسیگری و سکوت سنگین قانون»؛ فصلنامه کتاب زنان، ش ۲۲، زمستان ۱۳۸۲.
۵۲. قدامه، عبدالله؛ المغنی؛ بیروت: دارالکتاب العربی، [بی تا].
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی؛ [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
۵۴. مازندرانی، ملامحمد صالح؛ شرح اصول کافی؛ [بی جا]، [بی نا]، ۱۵۲۷ ق.
۵۵. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ لبنان، بیروت: الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۵۶. محمودی، محسن؛ مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید؛ قم: علمی - فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۸۱.
۵۷. مکی العاملی، محمد بن جمال الدین (شهید اول)؛ القواعد و الفوائد؛ [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
۵۸. _____؛ لعمه دمشقیه، قم: دارالفکر، ۱۳۷۳.
۵۹. نجفی، شیخ محمد حسن؛ جواهر الکلام؛ ج ۳، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۶۰. نشریه اقتصاد ایران؛ خرداد ۱۳۸۱.
۶۱. نووی محیی الدین، یحیی بن شرف؛ المجموع؛ [بی جا]، انتشارات دارالفکر، [بی تا].
۶۲. نیازمند، یدالله؛ تاریخ بردگی؛ [بی جا]، چاپخانه نقش جهان، ۱۳۳۰.
۶۳. وحید بهبهانی، محمدباقر؛ حاشیه مجمع الفائدة و البرهان؛ [بی جا]، مؤسسه علامه المجدد، ۱۴۱۷ ق.

65. Rayamon d. Janice, <http://www.prostituticio.2004.05>.
66. Sub-Region, Mekong, Trafficking in women and Children, Quoted in.
67. haynes, Dinafrancesca, used, abused, arrest and Deported: Entending Immigration Benefits of Protect the Victims of trafficking and ... Hum an Rights Quarterly.May 2004, Vol.26.Iss.2:pg.221,52pgs.
68. <http://www.Ipan Newspaper.com/1384/840721/html/naiara.htm>.2006/7/2.
69. <http://www.koodekan.com/news/0000.html>.
70. <http://www.prostituticio,hv/janice.raymond.2004.05.28.en.html>.
71. <http://www.unifem-eseasia.org/Resources/traffic2Htm1.2001/5/8>.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی